

عنوان
وزارت معارف

ریاست تعلیم و تربیه
مقالات وارده اعاده نمیشود
اصلاح و درج حق اداره است

آئینه عرفان

مجله علمی، ادبی، مصور، ماهانه
دوره دوم سال ششم

شرح اشتراك

مرکز (۹) افغانی [محررين دائمی] متعلمين [معلمين] نصف
داخله (۱۰) = خارج (۴) ناچار

واحد فروشی و اشتراك شش ماهه ندارد

نمره مسلسل ۸۵

۱

حدی - ۱۳۱۵

فاتح سومنات

ترجمه ع صدقی

از قدیم الایام، مردم از هر گوشه مملکت هند، زیارت معبد بزرگ سومنات (۱) می‌رسیدند. این معبد که در آن بزرگترین بت‌های هندوهند ایجاد داشت در همه هندوستان عبادتگاه ممتاز و متمول بود. از دیوارهای سفیدی که در اطراف تپه‌ها کشیده شده و در زیر سایه اشجار منظره نظربائی داشت پلکان سنگ مرمر پائین رفته تا ساحل بحیره عرب فرو آمده بود.

کاهنین معبد برای زائرینی که از مسافت‌های بعیده با خلاص و عقیده کامل می‌رسیدند همیشه از بزرگی صاحب معبد بیانات داده می‌گفتند که آب بحر بلا انقطاع در هر وقت

(۱) « سومنات » در گجرات و یک هزار میل از غزنه تخت گاه سلطان محمود دور افتاده. در آنجا بتی بود موسوم به « سیوا » یا « مها دیوا » که مردم آن‌را می‌پرستیدند عماراتی که بت در آن قرار داشت خیلی وسیع و دارای ۵۶ ستون بود. هزار نفر برهنه موظف بودند که قربانی‌های روزمره را تقدیم بکنند و پنجاه دو شیزه برای خوشنودی و جلب رضای بت پیش رویش می‌رقصیدند. « مترجم »

بتعظیم و احترام این معبد خم و راست می شود و آنی فرو گذاشت ندارد .

اما وقتی رسید که افکار ایشان بسیار بریشان گشت و دیگر تصور حکایات در خصوص دریا و نقل آن بزائرین همرا فراموش کردند فی الحقیقه معدودی چند از زائرین بان پلکان مرمری بالای برآمدند ؛ و آنهاییکه تازه وارد میشدند همه با خود همان رقم خیر های مدهش می آوردند و بر اضطراب مردم می افزودند . سلطان محمود امیرا طور افغانستان بالشکر بی حساب خود بطرف جنوب عزیمت کرده و ریگزار بزرگ را طی نموده معبد سومنات و تمام ثروت مملکت را بدست آوردنی است .

کاهن سالخوره که از چندین سال دران جا مجاور بود گفت : « من هیچ خوف ندارم پا زده دفعه بلکه زیاد تر همین محمود از ملک های شمالی خود بفرض گرفتند هند لشکر سوق داده و جایها را یکی بعد از دیگر گرفته است اما هیچگاه اینقدر دور نیامده - فی الواقع کار احمقانه ایست که کسی لشکری باین گرانفرا از دست مانند سند بگذرانند . » پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مخبر دیگری رسید که اطلاعات بیشتری می آید . او از مرکز سلطنت آمده اطلاع داده که آمادگی جنگ دیده شده ، بادشاه از هر طرف لشکر زیاد بمقابل مخالف جمع کرده ، زنها تمام جواهرات خود را فروخته و تمام زیورات را آب کرده و برای خرید اسلحه عساکر داده اند . و شهزادگان هر گوشه و کنار مملکت با نظامی زیاد گرد آمده آماده دفاع اند .

« ولی » نو وارد با آواز آهسته سخن خود را دنبال کرد « افواہ است که محمود قسم خورده که این معبد را بگیرد . زیرا او شنیده که در میان آن خزائن فراوانست . »

مردی که در آن نزدیکی ایستاده بود جواب داد: « و نیز گفته میشود که محمود آنقدر متمول است که چهار صد سگ شکاری او قلاده های مروارید نشان در گلو دارند. »

« غریب باشد باغنی فرق نمی کند » کاهن سالخورده جواب داد « هر که باشد باشد ابداً نمی تواند این معبد را بگیرد. زیرا دیوار ها خیلی مستحکم و سومات خیلی قوی است »

« ولی » اوبا ز پرسید « محمود چگونه عساکر خود را از دشت سند عبور خواهد داد؟ »

« که میداند؟ » نووارد جواب داد « میگویند که تعدادی از تشنگی جان سپرده اند و تعدادی از حرارت شدید آفتاب مغزشان پیموش آمده سرسام شده اند - مگر محمود کیست که چون عزم کرد ابداً تغییر نمی خورد - لشکر بسیار هم دارد. »

کاهن سالخورده گفت: *پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

معبود گاهی رضا نخواهد شد تا که معبدش و بهایه ساکنی ده شود و پشت سر آن نفس های تند کشید و چشمهایش در آبهای صاف بحر کوك شد.

آنانی که در معبد رهایش داشتند با تلاش و کار فوق العاده تباری دفاع از خود دیدند. دبری نگذشت که محمود با سپاه خویش مانند سابق جایها را یکی بعد از دیگری فتح کرده غنیمت گرفته می آمد. هر لشکری که پیش رویش را می گرفت با خوف و ترس رو بر گر دانیده می کرد بخت یکی از رفقای همان کاهن سالخورده که بهمان کنار آب و دامنه تپه ایستاده بود خبر آورد که محمود مرکز شاهی را محاصره نموده.



نقشه بیترا وحوالی آن (شکل اول) متعلق مقاله بیترا

کاهن پیر معبد
بر گشت و فریاد زد
«وقت را نباید ضایع
کرد، پادشاه افغان
اینک باتمام قوای
خود بقصد گرفتن معبد
می رسد.»

«دیوارها مستحکم
و صاحب معبد قوی
است. لشکر افغان
حتماً شکست خواهد
خورد!» کاهن پیر
خاموش شد و دیگران
«سخن های بابا تماماً
راست است» گویان
درپای بت بزرگ غلبیده
بعبودیت پرداختند.

هنوز روز دیگر نگذشته بود که عساکر افغانی اطراف معبد را محاصره
کردند و تنها سمت دریا و پلکان مرمری باقی ماند.
فرستاده از جانب کاهن بمردم اطلاع داد که معبود حتمی هر دشمنی را که
به نسبت او و معبد یا کس جرئت بکنند تباه و برباد می نماید، و سرزمین باطمینان
قبول نمودند.

دو روز کامل کاهن پیر از داخل دیوار های ضخیم معبد دلیرانه دفاع کرد و شهزاده گان مملکت با عسا کر لا تعد ولا تحصى خود بكمك و دفاع از معبد گرد آمدند .

بروز سوم محمود افغان بتصور اینکه مبادا درین منزل اخیر شکست بخورد از اسب فرود آمد و بدر گاه کبریائی پناه برده و ازینمبر برحق استمداد جست لشکریان چون سالار خود را بدعا دیدند همه از ته دل آمین گفتند و فیروزی را از خداوند درخواست نمودند . سپس بایک هجوم مو حش حمله بردند صدای الله اکبر طبقات هوا را اشباع کرده بود

در خلال این اوقات کاهن سالخورده در قسمت تاریک و داخلی معبد جلو آن صورت قیمت بها توقف داشت در حالیکه تمام بدنش می لرزید بصدای بلند فریاد می کرد و نام معبود خود را می برد .

کاهن بدور پیشوای پیر خود حلقه بسته نقشه حفظ معبود در پیش خود می کشیدند . ایشان درین خیال که سلطان محمود داخل شد . کاهن سالخورده جلو آمده بابسیار انکسار آمرزش معبود خود را از محمود طلب کرد و در عوض مبالغ هنگفتی وعده داد .

ولی سلطان بزرگ جواب داد : « نی ، من بت فروش نیستم بلکه بت شکنم » .
و گرز فولادین خود را بآن صورت نواخت (۱)

تایک دقیقه گوئی جوی خون روی فرش سرازیر میشد - اما فی الحقیقه چنان نبود زیرا که بت اساساً بجز پاره چوب مطلا چیزی دیگر نبود ؛ و آن قطرات قرمزی قطرات خون نی بلکه دانه های درشت بی بهای یا قوت بود که در شکم بت ذخیره

(۱) گویند این بت پنج گزوفد بهمین نست عرض داشت .

نموده بودند. جای تعجب نیست، این واقعه حقیقت است و در تواریخ هند مسطور است که محمود افغان ازین بت خانه بیش از آنچه خزینه يك مملکت دارا باشد صاحب شد. کاهن ها معبود را چون منکوب و تروت را بدست سلطان دیدند ازان پلکان مرمری گریزان بقایق ها نشستند و جان بسلاحت بردند (۱).

عسجدی هروی که یکی از افاضل شعرای دور سلطان محمود است راجع باین فتح قصیده غرائی سروده که این چند بیت از اوست :

تا شاه خسروان سفر سومنات کرد کردار خویش را علم معجزات کرد
 بزود دزاهل کفر جهان را بر اهل دین شکر و دعای خویشان از واجبات کرد
 شطرنج ملک باخت ملک با هزار شاه هر شاه را بلعب دگر شاه مات کرد
 محمود شهر یار کریم آنکه ملک را بنیاد بر محامدو بر مکر مات کرد
 شاهاتو از سکندر پیشی بدان چهره ستانی و کوه هر سفر کی که کرد بدیگر جهات کرد
 نوکارها به نیزه و تیرو کمان کتیبه علوم او سکانها بحیله و کلک ودوات کرد

